

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

رشته علوم سیاسی

موضوع:

حدود آزادی های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در نظریه و عمل

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر اکبر اشرفی

استاد مشاور:

جناب آقای مرتضی محمودی

پژوهشگر :

مجتبی شیرافکن

سال تحصیلی:

زمستان 91

## تعهذنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانف مجتبی شیر افکن دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی 88530300003 در رشته علوم سیاسی که در تاریخ 91/11/18 از پایان نامه خود تحت عنوان حدود آزادی های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در نظریه و عمل با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

1- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجانف بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (عم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

2- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

3- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

4- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانف مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ 91/11/18

مجتبی شیر افکن دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره به  
حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات

2	1-1 طرح مسئله
4	2-1- اهداف تحقیق
4	3-1- اهمیت موضوع
4	4-1- پیشینه تحقیق
6	5-1- سؤال اصلی
7	6-1- فرضیه اصلی
7	7-1- متغیرهای پژوهش
7	8-1- تعریف اصلاحی مفاهیم
15	9-1- روش تحقیق
15	10-1- روش گردآوری اطلاعات
16	11-1- قلمرو تحقیق
16	12-1- سازماندهی تحقیق

### فصل دوم: محدودآزادی سیاسی درغرب

20	2-1) آزادی‌های اساسی از دیدگاه جان لاک
20	2-1-2) نفی سلطه انسان بر انسان
41	3- مفهوم آزادی مدنی
48	4- تحلیل مفهوم آزادی سیاسی
63	5- اقسام آزادی سیاسی

### فصل سوم: حدودآزادی و آزادی سیاسی دراسلام

74	1- آزادی سیاسی دراسلام
82	2- چگونگی سازگاری دین و دموکراسی

3- قلمروی آزادی از نگاه اسلام شیعی ..... 87

### فصل چهارم: نظریه آزادی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

- 1- نظام سیاسی مبتنی بر قانون ..... 94
- 2- ویژگی‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ..... 95
- 3- آزادی از دیدگاه امام خمینی ..... 101
- 4- حقوق سیاسی و مدنی از دیدگاه امام خمینی ..... 104
- 5- نقش مردم در تعیین حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی ..... 115
- 6- آزادی سیاسی از دیدگاه استاد مطهری ..... 122
- 7- حقوق و آزادی‌های اساسی مردم در جمهوری اسلامی ایران ..... 133
- 8- حق آزادی بیان در قانون اساسی ج.ا.ا ..... 140
- 9- آزادی عقیده و مذهب در قانون اساسی ج.ا.ا ..... 142
- 10- نظام حقوقی آزادی تشکل در ج.ا.ا ..... 146
- 11- آزادی مطبوعات در قانون اساسی ج.ا.ا ..... 151

### فصل پنجم: محدوده عملی آزادی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

- 1- محدوده آزادی‌های سیاسی و اجتماعی ..... 156
  - 2- سازوکارهای مسئله آزادی‌های فردی و اجتماعی و محدوده آن در قانون اساسی ..... 158
  - 3- محدودیت‌های حاکم بر آزادی احزاب و جمعیت‌ها ..... 172
  - الف - چندمورد از محدودیت‌های اعمال شده برای احزاب ..... 176
  - 4- حدود قانونی مطبوعات ..... 177
  - الف - چندمورد از محدودیت‌های اعمال شده برای مطبوعات ..... 180
  - 5- محدوده آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها ..... 180
- نتیجه‌گیری ..... 185**
- فهرست منابع ..... 191**

**فصل اول:**

**کلیات**

## 1-1 طرح مسئله:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبین نهادهای فرهنگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است در تبیین نظام سیاسی جمهوری اسلامی، حاکمیت مردم را در طول حاکمیت خدا به رسمیت شناخته و بدین ترتیب به نوعی تلفیق بین نظریه حاکمیت الهی و نظریه حاکمیت مردم که طی قرنهای متمادی هر کدام به تنهایی توجیه گر مشروعیت نظام های سیاسی مختلف بوده اند، دست یازیده است. جمع بین این دو نظریه در قانون اساسی جمهوری اسلامی تحت تاثیر عوامل و شرایطی همچون نوع نظامی که این قانون درصدد تبیین ساختارهای آن بوده است، میراث دموکراتیک برجا مانده از انقلاب مشروطیت ایران و گفتمانهای جمهوریخواهی و اسلامخواهی انقلاب اسلامی صورت گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محورهای دموکراتیک خود را که روح حاکمیت مردم در آن ساری و جاری است بر مبنای آموزه های اسلامی و عقلی بنا کرده است. این قانون ظهور و تجلی حاکمیت مردم را در شیوه انتخابات از جمله انتخاب رهبر در یک انتخابات دو درجه ای توسط خبرگان منتخب مردم، انتخاب رئیس جمهور، انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی و انتخاب اعضای شوراها مورد پذیرش قرار داده است. برای این که انتخابات مفهوم واقعی خود را داشته باشد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عواملی چون برابری حقوقی شهروندان و آزادیهای مختلف از جمله آزادی احزاب سیاسی و آزادی مطبوعات و نیز نظارت همگانی را به عنوان عوامل زمینه ساز تحقق حاکمیت مردم مورد توجه جدی قرار داده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حقوق و آزادیهای فردی را در فصل سوم، تحت عنوان ((حقوق ملت)) مورد حمایت قرار داده است، آزادی عقیده و بیان نیز از زمره همین حقوق و آزادیها است که در اصول 23 و 24 قانون اساسی تضمین شده اند.

قلمرو آزادی سیاسی نیز هم چون سایر مقوله ها، قابل تضییق و توسعه است. عاملی که قلمرو دامنه آزادی سیاسی را معین می کند، قانون اساسی یک کشور است. قانون اساسی به عنوان مهم ترین منبع تبیین کننده آزادی سیاسی، حقوق مدنی و اساسی انسان ها را بیان کرده و دامنه آزادی سیاسی



شهروندان را معین می کند. بر این اساس، مهم ترین راه شناخت آزادی های سیاسی و قلمرو آن در جامعه، قانون اساسی است.

امروز بحث از توسعه سیاسی، زمینه ساز بحثهای گسترده و مهمی شده است. آزادی های سیاسی به عنوان شاخصی از توسعه سیاسی، زمینه مشارکت جدی و فراگیر مردم را در مسائل مختلف فراهم می آورد. مؤلفه هایی چون: افزایش حق رای و انتخاب آزاد با رای دهندگان زیاد، سیاسی شدن یا مشارکت بیشتر مردم در روندهای سیاسی، مشارکت مردم در هیأت های تصمیم گیری، آزادی مطبوعات و رشد رسانه های جمعی، مسئولیت حاکمان در برابر مردم، حاکمیت قانون و... همه در تحت آزادی سیاسی گنجانیده می شوند.

با وجود آزادی سیاسی است که مردم رغبت می کنند در زمینه های گوناگون مشارکت جویند، بر امور حکومتی نظارت کنند و در صورت لزوم انتقاد و اعتراض کنند و به مخالفت برخیزند، با آزادی تمام انتخاب کنند و رای دهند و سرنوشت و زندگی سیاسی خویش و نظام سیاسی کشور خود را تعیین کنند. مشارکت در امور مسلمین و نیز اهتمام به امر آنان، از آموزه های پر برکت معصومین (ع) و پیشوایان دینی بوده است. رسول اکرم (ص) در سخنی گران قدر می فرماید: «کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست.» (کلینی، ج 3، ص 78)

به هر روی انسان نمی تواند نسبت به مسأله مهمی چون حکومت که با جان و دین و ایمان و مال و آبرو و ناموس وی در ارتباط است، بی تفاوت باشد. آدمی به عنوان جانشین خداوند در زمین، پاسخگوی اعمالی است که انجام می دهد و در این باره نیز باید پاسخگو باشد. بنابراین می بایست با چشم و گوش باز و تیزبین مسائل مختلف را پی گیری نماید و در تمام مسائل مشارکت داشته باشد. از همین رو است که حضرت امام جامعه آینده را جامعه ای منتقد و ارزیاب می بیند که در همه امور مشارکت دارند: جامعه فردا، جامعه ای ارزیاب و منتقد خواهد بود که در آن تمامی مردم در رهبری امور خویش شرکت خواهند جست. (صحیفه نور، ج 3، ص 51)

باتوجه به اینکه آزادی مطلق و بی حد و حصر می تواند موجب هرج و مرج و در شرایطی باعث به خطر افتادن امنیت ملی و ضربه به حاکمیت یک نظام شود، در این رساله سعی شده تا ثابت شود در یک نظام مرم سالار دینی، تعیین حد و مرز برای آزادی به ویژه آزادی های سیاسی به معنا و مفهوم نادیده

گرفتن حقوق مردم نمی باشد بلکه به معنای حفظ امنیت ملی و ثبات جامعه و جلوگیری از تجاوز به حقوق یک ملت می باشد.

### 1-2- اهداف تحقیق:

درباره آزادی و به خصوص آزادی سیاسی تاکنون، آثار ارزشمندی نگارش یافته، مفهوم و مبانی در این آثار تبیین گردیده است. با این وجود کمتر به قلمرو آزادی و حدود آن و تبیین شرایط و زمینه‌های محدودکننده آزادی و به ویژه آزادی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران توجه شده است. اثر حاضر چنین هدفی را دنبال می‌کند.

### 1-3- اهمیت موضوع:

بحث از آزادی از جمله آزادی‌های سیاسی در هر عصری، از مباحث عمده و به روز می‌باشد که از زوایای مختلف می‌توان به آن پرداخت و مباحث مختلفی از قبیل مصادیق آزادی، مفهوم آزادی و زمینه‌های تحقق آزادی و قلمرو و محدوده آزادی در مبحث آزادی مطرح بوده و هست. آزادی سیاسی اگر مفهومی سیاسی است اما از زاویه‌ای دیگر پدیده‌ای اجتماعی تلقی می‌شود. به لحاظ جامعه‌شناسی پدیده‌ای اجتماعی، محصول شرایط و زمینه‌های اجتماعی است. بنابراین از زمانی که جامعه تشکیل می‌شود و افرادی زمام امور جامعه را به دست می‌گیرند، بحث در مورد آزادی‌های فردی و اجتماعی نیز پررنگ می‌شود و افراد جامعه را برای رسیدن به آزادی به تلاش و تکاپو وامی‌دارد و این امر مهم در هر عصری به شکل‌های مختلف ظهور و بروز پیدا می‌کند. بنابراین اهمیت آزادی و به ویژه آزادی سیاسی بنده را بر آن داشت تا در این راستا به تحقیق بپردازم.

### 1-4- پیشینه تحقیق:

درباره بحث در مورد آزادی‌های اجتماعی و به خصوص آزادی سیاسی، در کنار شرایط و اسباب موردنیاز در جهت رسیدن به جامعه‌ای مطلوب و آرمانی که در آن همه گروه‌ها و احزاب و صاحبان اندیشه‌های معقول و منطقی، می‌توانند بدون نگرانی و دغدغه در جهت خدمت به منافع مردم و رساندن صدای ملت به گوش صاحبان قدرت و حاکمان جامعه، به فعالیت بپردازند، تاکنون

پژوهشهای بسیاری صورت پذیرفته است که هر یک با زاویه و نگاهی خاص به آن پرداخته است. درخصوص پیشینه تحقیقاتی که همسو با تحقیق حاضر صورت گرفته است، می‌توان به پژوهش منوچهر توسلی نایینی با موضوع جایگاه و نقش قانون اساسی در مردم‌سالاری دینی با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. در این تحقیق بیان می‌شود که اصولاً در ایجاد یک نظام مردم‌سالار دینی، قانون اساسی به عنوان میثاق ملی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. این قانون مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن کشور است. در جامعه‌ای که اسلامی بودن قوانین محور باشد و مشارکت سیاسی نه تنها به عنوان یک حق بلکه یک تکلیف و مسئولیت نیز شناخته شود، قانون اساسی باید به گونه‌ای متفاوت از یک نظام مردم‌سالار لیبرال در نظر گرفته شود، لذا در این قانون ساختار نظام حکومتی باید به صورتی تنظیم شود که زمینه این مشارکت سیاسی را فراهم آورد. در تحقیق انجام گرفته، چگونگی تأمین نیازمندیهای مشروع مردم و عملی ساختن مشارکت آنان را به شیوه‌های متفاوت، که قانون اساسی می‌تواند آنها را عملی سازد، مورد بحث و توجه قرار گرفته است. (توسلی نایینی، 1385) در پژوهشی دیگر که توسط علی محمد فلاح‌زاده صورت پذیرفته، رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مقوله «آزادی» مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش محقق معتقد است که نگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مقوله آزادی از مبانی معرفت‌شناسی رویکرد اسلام به ماهیت انسان نشأت می‌گیرد.

در این تحقیق بیان می‌شود که از نظر قانون اساسی ج.ا.ا. انسان آزادی مطلق ندارد، آزادی امانتی الهی است و انسانها برای بهره‌مندی و کاربرد و اعمال آن در مقابل خداوند مسئولیت دارند. برای حفظ نظم عمومی جامعه، امنیت و منفعت عمومی، در شرایطی می‌توان آزادی‌ها را دچار محدودیت نمود. (فلاح‌زاده، 1384)

در پژوهش دیگر که توسط سیده فاطمه موسوی انجام پذیرفته، حق آزادی بیان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تحقیق قرار گرفته است. در این پژوهش شیوه‌های مختلف آزادی بیان که از سوی قانون اساسی مورد تأیید و حمایت قرار گرفته است (اعم از نوشتاری و غیرنوشتاری) مورد توجه قرار گرفته است به عنوان مثال یکی از تکالیف قانونی دولت جمهوری اسلامی ایران اهتمام در بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های

گروهی و وسایل دیگر می‌باشد. همچنین در مورد قلمرو آزادی عمل احزاب، جمعیت‌ها و انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی، در این تحقیق اشاره شده است. (موسوی، 1390)

در پژوهش محمد ابراهیمی با عنوان حق آزادی بیان، آزادی بیان را در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی و نیز محدودیت‌های اعمال شده بر آن مورد بررسی قرار گرفته است. (ابراهیمی، 1382)

در پژوهش منصور میراحمدی با موضوع تحلیل مفهوم آزادی سیاسی، از آزادی سیاسی به‌عنوان یکی از مهمترین اقسام آزادی یاد شده است. در این تحقیق برخی از مهمترین تعاریف ارائه شده از آزادی سیاسی ذکر شده است. همچنین عناصر و مؤلفه‌های آزادی سیاسی که دارای سه مولفه فاعل، مانع و هدف است مورد تحقیق قرار گرفته است. همچنین آزادی سیاسی در این تحقیق از چند جهت تقسیم شده است. مانند تقسیم آزادی سیاسی براساس نوع رفتار سیاسی، براساس حقوق اساسی اشخاص و شکل‌ها. (میراحمدی، 1379)

در پژوهش دیگر که توسط سید عباس نبوی با موضوع تبیین آزادی با نگرش و حیاتی و عقلانی انجام گرفته است، به منظرها و نظریه‌های ترسیم محدوده آزادی پرداخته شده است. در این تحقیق در ابتدا به شرح مسئله محدودیت‌پذیری آزادی پرداخته شده و بیان شده که «آزادی، آزاد بودن است و لذا هیچ‌گونه قید و شرطی را نمی‌پذیرد» یک مغالطه است و باید از آن پرهیز شود. آزادی در فلسفه و فلسفه سیاسی و آزادی در حقوق اساسی به‌عنوان یک حق انسانی و همچنین نسبت آزادی با اخلاق و آزادی در علم فقه که نسبت آزادی یا آموزه‌های رفتاری دینی را بیان می‌کند، در این تحقیق مورد کنکاش قرار گرفته است. (نبوی، 1387)

نقطه تمایز این رساله با تحقیقات انجام شده مذکور در این است که در پایان نامه حاضر، علاوه بر بیان قلمرو و محدودیت‌های آزادی سیاسی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده است، به نمونه‌هایی از به اجرا درآمدن این محدودیت‌های قانونی در عرصه عمل نیز پرداخته شده است.

## 1-5- سؤال اصلی:

محدوده آزادی های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران براساس شریعت اسلامی وقانون اساسی چگونه است؟

### سؤالات فرعی:

دیدگاه قانون اساسی در مورد حق تعیین سرنوشت توسط مردم در جمهوری اسلامی چیست و چه نقشی در تصمیم گیری های کلان حکومتی دارند؟

در دیدگاه قانون اساسی آزادی بیان وحد و مرزهای آن چگونه است؟

نظر قانون اساسی در مورد آزادی احزاب و انجمن ها و اجتماعات چیست و چارچوب آن چگونه است؟

دیدگاه قانون اساسی در مورد آزادی دین ومذهب در جمهوری اسلامی چیست و وظیفه حکومت در مورد اقلیت های مذهبی چیست؟

### 1-6- فرضیه اصلی:

براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی های سیاسی، تا زمانی که ناقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی نباشند، مجاز و قابل دفاع هستند.

### 1-7- متغیرهای پژوهش:

- موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی (متغیر مستقل) بامحدوده آزادی سیاسی (متغیر وابسته) در جامعه ارتباط مستقیم دارد..
- اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی در ج ا ا (متغیر مستقل) با آزادی های سیاسی (متغیر وابسته) موجود در جامعه مرتبط است.
- امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی ایران (متغیر مستقل) بامیزان آزادی سیاسی (متغیر وابسته) در ارتباط است.

### 1-8- تعریف اصطلاحی مفاهیم:

آزادی:

آزادی حقی است که به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی های طبیعی و خدادادی خود را به کار اندازند، مشروط بر آنکه آسیب یا زیانی به دیگران وارد نسازند. آزادی در اسلام به معنای آزادی از هر قید و بند و از هر عبودیتی به جز عبودیت برای خدای سبحان است.

آزادی امکان عملی کردن تصمیم‌هایی است که فرد یا جامعه به میل یا اراده خود می‌گیرد. اگر انسان بتواند همه تصمیم‌هایی را که می‌گیرد، عملی کند و کسی یا سازمانی اندیشه و گفتار و کردار او را محدود نکند و در قید و بند در نیاورد، دارای آزادی مطلق، یعنی آزادی بی حد و مرز است. اما چون انسان‌ها به طور اجتماعی زندگی می‌کنند، نمی‌توانند آزادی مطلق داشته باشند. زیرا آزادی بی حد و مرز یک فرد به پایمال شدن آزادی افراد دیگر اجتماع می‌انجامد. به همین سبب است که هر جامعه‌ای با قانون‌ها و مقررات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خاصی هم حافظ آزادی‌های افراد آن جامعه می‌شود و هم حد و مرزهایی برای این گونه آزادی‌ها به وجود می‌آورد. قانون‌ها و مقررات جهانی نیز آزادی‌های مردم سراسر جهان و حد و مرزهای آن‌ها را در جامعه جهانی معین و مشخص می‌کنند. تلاش‌ها و مبارزه‌های انسان در طول تاریخ زندگانی او همواره برای بدست آوردن آزادی مشروع و قید و بند زدن به آزادی مطلق فرمانروایان ستمگر و زورمندان بوده است.

### آزادی سیاسی:

آزادی سیاسی از جمله مفاهیمی است که در مقام تبیین، از تعاریف مختلفی برخوردار است؛ که هر یک از تعاریف، معمولاً ناظر به برخی از مصادیق این نوع آزادی می‌باشد. به‌طور کلی این نوع آزادی، که بیان‌گر رابطه متقابل حاکمان و شهروندان است، به نقش مردم، در زندگی سیاسی اشاره دارد و مقصود از آن، انواع آزادی‌هایی است که فرد در حیطه‌ی اجتماع، در برابر حکومت دارا می‌باشد. آزادی سیاسی را می‌توان، قدرت انتخاب افراد برای انجام کار و استفاده از ابزارهای مورد تقاضا و مشارکت در تعیین حاکمیت و ارائه نظریه‌های سیاسی براساس اصول پذیرفته‌شده دانست؛ که در کاربردی عام، هرگونه فعالیت‌هایی را که بر سرنوشت سیاسی جامعه اثر بگذارد را شامل می‌شود.

فقدان دخالت و ممانعت دولت‌ها در برابر اشخاص یا تشکلهای سیاسی در جامعه، به‌منظور انجام رفتارهای سیاسی خاص خود و یا برخورداری از حقوق اساسی را می‌توان آزادی سیاسی نام نهاد.

منظور از آزادی سیاسی، به طور ساده عبارت از آزادی انجام دادن انواع کارهای مختلفی است که حکومت مردمی اقتضا می کند. این کارها اصولاً شامل آزادی استفاده از ابزارهایی است که از طریق آنها، شهروند بتواند صدای خود را به گوش دیگران برساند و در حکومت تأثیر عملی داشته باشد. آزادی های سیاسی، مجموعه امتیازاتی است که اهالی کشور برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه بدان نیاز دارند. این امتیازات به صورت حقوق مدنی (حق رای، حق داوطلبی و حق عضویت در احزاب سیاسی) و حقوق سیاسی (آزادی رقابت اندیشه ها، آزادی انتخابات و آزادی تعیین زمامداران) متظاهر می شود.

آزادی سیاسی، قسمتی از حقوق افراد است که به موجب آن، می توانند حق حاکمیت داشته باشند، خواه به طور مستقیم و خواه از طریق انتخاب نمایندگان.

آزادی سیاسی، آزادی فرد در صحنه سیاست و به بیان دیگر فقدان فشار سیاسی است.

آزادی سیاسی از یک سوی به طور مستقیم با حاکمیت و قدرت سیاسی در ارتباط است و از دیگر سوی به نقش مردم در نظام سیاسی اشاره دارد. می توان گفت آزادی سیاسی یکی از اساسی ترین و مهم ترین بحثهای مربوط به آزادی است. حتی برخی آزادی سیاسی را «مادر آزادی ها» می پندارند و به واقع نیز چنین است. بسیاری از مبارزات علیه حکومتهای استبدادی و انقلابهای آزادی خواهانه در سرتاسر جهان به خاطر کسب آزادی های سیاسی بوده است. امروزه آزادی سیاسی از ارکان لازم و تردیدناپذیر نظامهای مردم سالار شمرده می شود.

آزادی سیاسی به این معناست که «فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت جوید و یا به تصدی مشاغل عمومی و سیاسی و اجتماعی کشور خود نائل آید و یا در مجامع، آزادانه عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز نماید.» در تعریفی که کارل کوهن از آزادی سیاسی ارائه داده است می خوانیم: «منظور از آزادی سیاسی به طور ساده عبارت از آزادی انجام سیاسی به طور ساده عبارت از آزادی انجام دادن انواع کارهای مختلفی است که حکومت اقتضا می کند. این کارها، اصولاً شامل آزادی استفاده از ابزارهایی است که از طریق آنها شهروند بتواند صدای خود را به گوش دیگران برساند و در حکومت تأثیر عملی داشته باشد.»

نقطه مشترک این دو تعریف بیان ارتباطی است که یک شهروند با دولت و به طور کلی با حاکمیت و قدرت سیاسی می تواند داشته باشد. در واقع آزادی سیاسی، بیان رابطه متقابل حاکمان و شهروندان است و این که مردم در تکوین و هدایت نظام سیاسی دارای نقش و اثر هستند و می توانند نظام سیاسی را به سوی مطلوب خود هدایت کنند. ساختار سیاسی هر نظامی در اعطای آزادی ها نقش مهم و تأثیرگذاری دارد. زیرا این نظام سیاسی است که دامنه آزادی ها و به ویژه آزادی سیاسی را تعیین، تحدید و تضمین می کند. هر چه ساختار نظام سیاسی باز و دموکراتیک باشد، آزادی های سیاسی نیز در آن چشمگیرتر است و مردم از حقوق بیشتری در زندگی سیاسی و اجتماعی خود برخوردارند. در یک نظام سیاسی بسته و محدود، آزادی ها و به خصوص آزادی سیاسی رونقی نخواهد داشت و فشار سیاسی بر مردم نیز زیاد است. به عبارتی نظام استبدادی و دیکتاتوری حاکم است.

#### حق تعیین سرنوشت:

یکی از بحثهای عمیق و مهم در علم سیاست، بحث حاکمیت و نقش مردم در آن است. اهمیت این مسأله تا بدان جا است که می توان با توجه به تأثیر و نقش مردم در پدید آمدن حاکمیت و قدرت سیاسی، نوع نظام سیاسی هر کشور را مشخص ساخت. امروزه اکثر حکومتهای برقرار، داعیه مردم سالاری و مردمی بودن دارند، اما این که تا چه اندازه با واقعیت سازگار است، قابل تأمل و بررسی است.

#### آزادی انتخاب و رای:

حکومتی که با رای و خواست مردم برپا می شود، می بایست همه امور آن به رای گذاشته شود و مردم نقش مستقیم و غیر مستقیمی در انتخاب کارگزاران نظام سیاسی داشته باشند. در نظام جمهوری اسلامی ایران ساز و کارهایی برای این منظور پیش بینی شده است؛ زیرا علاوه بر رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و نمایندگان شوراهای اسلامی شهر و روستا، مقام رهبری نیز به صورت غیرمستقیم توسط مردم برگزیده می شود. با توجه به نقشی که امام برای مردم قائل است، تمام ساز و کارهای نظام سیاسی جمهوری اسلامی مبتنی بر رای مردم است و تایید و حمایت و مشارکت آنان را می طلبد. البته مردم نیز با مشارکت خود، چنین نظامی با چنین ساختار و



ساز و کاری را با رای آزادانه خود پذیرفته اند و در عمل نیز نشان داده اند که هر کجا صادقانه با آنان رفتار شده است، در صحنه حضور داشته اند و از نظام حمایت و حراست کرده اند.

آزادی انتخاب و رای، جزء جدایی ناپذیر حکومت‌های مردمی است. در یک حکومت مردمی تحمیل چیزی بر مردم و اجبار آنان به کارها سزاوار نیست.

### **نظارت، انتقاد و اعتراض:**

در نظام‌های سیاسی، ساز و کارهایی تعیین شده است تا قوای موجود ضمن استقلال همدیگر را تحت نظارت و کنترل داشته باشند و هیچ نیرویی از قدرت خود سوءاستفاده نکند. سیستم تفکیک و توازن قوا که در اندیشه منتسکیو مطرح شد، در واقع به همین نکته توجه داشته است تا کارکرد نظام سیاسی سالم بماند و هر یک از قوا در عین استقلال از دیگری بتواند بر دیگری نیز نظارت کند. این ساز و کار در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پذیرفته شده است. نهادهای نظارتی در قانون اساسی به قرار زیرند: 1. مجلس خبرگان رهبری که بر امور رهبری نظارت دارد؛ 2. مجلس شورای اسلامی که بر قوه مجریه و نیز تمامی دستگاه‌های نظام نظارت دارد؛ 3. شورای نگهبان که نظارت بر تطبیق قوانین مجلس با شرع و قانون اساسی را بر عهده دارد؛ 4. مردم و دولت نسبت به همدیگر با توجه به اصل هشتم قانون اساسی که درباره امر به معروف و نهی از منکر است؛ و....

به هر تقدیر بازخواست از کارگزاران نظام و نیز پاسخگو بودن آنان به مردم از جمله اموری است که باعث پیوند بیشتر میان مردم و دولت می شود. مردم باید از مسائلی که به زندگی سیاسی و اجتماعی آنان مربوط است، مطلع شوند و در صورت اشتباه کارگزاران نظام به آنان رای ندهند و یا حتی از آنان بخواهند از مسؤولیت خود کناره گیری نمایند. امروزه احزاب سیاسی و به طور کلی نهادهای جامعه مدنی با عنوان نقش می پردازند. از سویی خواستهای مردم را به حکومت و تصمیم گیران سیاسی منتقل می کنند و از دیگر سوی تعادلی در اجرای قوانین از سوی دولت ایجاد می نمایند.

### **آزادی بیان:**

اگر قرار باشد که تصمیم گیری‌ها توسط اعضای یک جامعه انجام شود، لازم است که افراد جامعه نظرات خود را بیان کرده، به بحث و مناظره و رأی بگذارند. بعلاوه دموکراتیک بودن حکومت مستلزم این است که میزان مشارکت تک تک اعضای جامعه به یک میزان باشد، و بعلاوه آزادی بحث بین

مردم قابل محدود کردن نباشد، مگر شاید با تصمیم خود مردم. اما از آنجایی که در شکل مدرن دموکراسی، مشارکت مردم در حکومت بشکل غیرمستقیم است، آزادی بیان باعث می‌شود که حاکمان از دیدگاه‌های مردم آگاهی یابند، و بعلاوه جلوی سواستفاده حاکمان از قدرت گرفته شود. ترس شهروندان از انتقاد آزادانه از دولت و سرکوب توسط دولت به عدم پاسخگویی دولت می‌انجامد. یکی از انواع آزادی‌های مورد نظر اسلام، آزادی بیان است. یعنی انسان بتواند آزادانه اندیشه‌ها، اعتقادات، احساسات و عواطف خود را به صورت طبیعی و مرسوم بیان کند. زیرا انسان جامد نیست بلکه موجودی متحرک است و وجود او نیاز دارد که نسبت به پیرامون خود واکنش نشان دهد و مکنونات درونی خود را ابراز نماید.

ویژگی نظام آزادی‌ها در اسلام این است که دیدگاه خاصی نسبت به هستی و زندگی دارد، به غیب ایمان دارد و به روز قیامت باورمند است. پس آزادی‌ها نیز باید در همین راستا حرکت کنند. اسلام ایده «آزادی برای آزادیت» را ترویج و تشویق نمی‌کند، بلکه اعتقاد دارد که آزادی باید در خدمت پیشرفت و تحول و ابداع و حرکت تاریخ باشد. پس آزادی بیان نیز باید در راستای همین نظام بشری باشد با توجه به این دیدگاه انسانی، آزادی بیان یک ارزش اساسی در مجموعه ارزشهای انسانی است ولی شامل همه ارزشهای بشری نمی‌شود. کرامت انسانی و حرمت بشری نیز وجود دارد. خطایی غیرقابل توجیه است اگر تحت عنوان آزادی بیان، کرامت و حرمت انسانهای دیگر را زیر پا بگذاریم. پس اگر نظام آزادی‌ها در اسلام مبتنی بر ایمان به خداوند است، طبیعی است که نهایت آزادی نیز هیچگاه از این نظام نباید فراتر برود و به توهین به خداوند و کتابهای آسمانی او و پیامبران گرامی‌اش بینجامد.

### جمهوری اسلامی:

عبارت جمهوری اسلامی یکی از مهمترین خواسته‌های مردم در جریان پیروزی انقلاب اسلامی بوده که این خواسته، بعدها در جریان تعیین نظام سیاسی جایگزین رژیم سلطنتی در 12 فروردین 1358 مورد تایید اکثریت ملت قرار گرفت. جمهوری بیانگر شکل حکومت است که آن را از نظام‌های سلطنتی و جمهوری‌های ظاهری متمایز می‌سازد و بیانگر نقش مردم در تعیین زمامداران می‌باشد.

واژه اسلامی نیز نظام سیاسی ایران را از سایر نظام های جمهوری رایج در جهان متمایز می سازد. اسلامی بودن نظام به معنای حاکمیت ارزش های اسلامی بر تمامی امور کشور است و ولی فقیه، ولایت امر و امامت امت را برعهده می گیرد.

در باره اسلامی بودن امور در جمهوری اسلامی در اصل 4 قانون اساسی آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق با عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقها شورای نگهبان است.»

همچنین براساس اصل 57 قانون اساسی قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه ی امر و امامت امت برطبق اصول آینده ی این قانون اعمال میگردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

امام خمینی (ره) رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در پاسخ به سوال خبرنگار فاینشال تایم انگلیس که پرسید، دنیای غرب شناخت صحیحی از حکومت اسلامی شما ندارد، فرمود: «ما خواستار جمهوری اسلامی می باشیم. جمهوری، فرم و شکل حکومت را تشکیل می دهد و اسلامی یعنی محتوای آن فرم، که قوانین الهی است.»

در اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی در باره نوع حکومت کشور آمده است: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب پیروزمند خود به رهبری امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی... با اکثریت 98 / 2 درصد کلیه کسانی که حق رای داشتند، به آن رای مثبت داد.»

در اصل 4 قانون اساسی نقش محوری مردم در نظام جمهوری اسلامی و انتخاب زمامداران توسط آنان مورد تاکید قرار گرفته است: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آرا عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رییس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.»

بنابراین می توان گفت: شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی یکی از مهمترین شعارهایی است که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شده و با قرار گرفتن در اصول مختلف قانون اساسی به یکی از مهمترین و ماندگارترین شعارهای انقلاب تبدیل شد. در واقع این شعار ماهیت انقلاب و روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی است و در یک جمله می توان گفت: نظام جمهوری اسلامی تبلور شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» است.

### قانون اساسی:

قانون اساسی عالی ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون اساسی تعریف کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه، و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور، و تعیین و تضمین کننده حقوق شهروندان کشور است. هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد.

به عبارت دیگر، قانون اساسی قانون تعیین کننده نظام حاکم است، قانونی که مشخص می کند قدرت در کجا متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای حاکمه اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه چه اقتدارات و مسئولیت هایی در برابر ملت دارند. قانون اساسی به عنوان مهم ترین منبع تبیین کننده آزادی سیاسی، حقوق مدنی و اساسی انسان ها را بیان کرده و دامنه آزادی سیاسی شهروندان را معین می کند. بر این اساس، مهم ترین راه شناخت آزادی های سیاسی و قلمرو آن در جامعه، قانون اساسی است.

### حاکمیت ملی:

«حاکمیت ملی» در مفهوم جدیدش بار حقوقی داشته که بعد از مشارکت آزادانه مردم در انتخابات و تراکم آراء اکثریت، اعمال قدرت سیاسی، به شخص و یا نهادی موقتا تفویض شده و آن شخص یا نهاد، بمنزله مظهر و نماد اراده و خواست مردم، قدرت اجرایی حاکمیت را در جغرافیای معین بدست گرفته هم در سطح ملی و هم در عرصه بین المللی، روابط داخلی و خارجی دولت را تبیین کرده و حاکمیت ملی را رهبری میکند. با این تعریف از حاکمیت ملی، مشخص می گردد که حاکمیت به ملت تعلق دارد و دولت صرف وظیفه تعمیم اراده ملت را بعهده دارد. یا به عباره دیگر، حاکمیت و سیادت